

سیمای خلاقیت در گستره آیات الهی

شاهرخ محمدیگی*
فرشید قاسمی**

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۸/۲۲
تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۱۰/۲۳

چکیده:

قرآن کتاب آفرینش است. خداوند متان از طریق قرآن مجید همواره رموز بسیاری را برای انسان ها بازگو می کند و خلاقیت از این قاعده مستثنی نیست. به نظر می رسد که باید رموز خلاقیت را از کلام وحی شناخت. معرفت به ابعاد مختلف خلاقیت های خداوند متعال از طریق غور در آیات الهی می تواند، باب تازه ای در راه اشاعه تفکر خلاق باشد.

قرآن کریم آشکارا اذعان می دارد، خلقت هایی که همراه کلماتی همچون "بدیع، فاطر، باری" بیان شده است فقط مخصوص خداوند است؛ زیرا این گونه آفرینش گری ها از عدم و نیستی به هستی و در عین حال بدون الگو و سابقه پیشین است. به طوری که کلمه "فاطر" عنایت بر طرد عدم و ایجاد چیزی از اصل دارد و کلمه "بدیع" به معنی نبودن الگوی قبلی است.

همچنین خلاقیت هایی که با کلماتی همچون "خلق" و "صنع" بیان شده است چون از ترکیب چیزهای موجود امکان پذیر می شود، انسان نیز می تواند در آن دخالت کند. از آنجا که انسان خلیفه الهی بر روی زمین است بالعرض به کل شی محیط است و آثار قدرت خداوند، از دست و بدن انسان کامل ظهور می کند و تنها انسان است که می تواند "کون جامع" باشد و از عالم طبیعت تا عالم عقل را زیر پوشش احاطه وجودی و شهودی خود در آورد. از دید قرآن کریم اولین گام رسیدن به خلاقیت، ایمان و اعتقاد به یگانگی و توحید حق تعالی است و متصف شدن به صفاتی همچون تفکر، طهارت، صیانت، پاکدامنی، تواضع و نیکویی زمینه بروز خلاقیت را در انسان هموار می کند.

واژگان کلیدی: قرآن، خلاقیت، آفرینش، خالق، بدیع، فاطر، باری، خلیفه الهی، انسان، پرورش.

«ان ربك هو الخلاق العليم» (الحجر / ۸۶)

عالم مخلوق خداوندی است، یعنی جهان دارای پیشینه عدم است و خالق آن را از دل نیستی به هستی در آورده است (توکلی، ۱۳۸۲: ۱۴۵). خداوند متعال با افاضه وجود به ماهیت آن را از عدم بیرون می آورد و لباس هستی بر آن می پوشاند. وجودیک حقیقت یگانه‌ای است که از واجب الوجود (خداوند) که شدیدترین مرتبه وجود است و هیچ محدودیتی در آن راه ندارد و تنها قیدی که بر آن می توان در نظر گرفت همان بی قیدی است آغاز می شود (صمدآقایی، ۱۳۸۲: ۳۰). خداوند سبحان، خداوندی خود را با خلقت فرشتگان، آسمان ها و زمین و بالاخره انسان ها متجلی می سازد و می فرماید:

«فتبارک الله احسن الخالقین» (المؤمنون / ۱۴)

قرآن کتاب آفرینش است و خداوند مَنان از طریق قرآن مجید همواره رموز بسیاری را برای انسان ها بازگو می کند و البته «خلاقیت» از این قاعده مستثنی نیست. از اهمیت خلاقیت همان بس که در قرآن کریم بارها از آفرینش، خلق و آفریدن سخن به میان آمده است. هر پرتوی از هستی برگ زرین خلق و زایش جدید را در بطن خود به همراه دارد.

از آنجا که علوم مورد نیاز زندگی مادی و روحانی بشر در این دنیا که از طریق قرآن نازل شده به طور دقیق و شفاف و همه جانبه و مکفی، قابل درک برای انسان ها نیست می توان دریافت، قرآن انسانی را می خواهد که با به کارگرفتن عقل خویش و با استفاده از رهنمودهای وحی، بتواند کمال حقیقی را از طریق رفع مشکلات و موانع رشدش، دریابد و به آن جامه عمل بپوشاند (برومند، ۱۳۸۰).

«و اصنع الفلک بأعیننا و وحینا..» (هود / ۳۷ و ۳۸)

«و زیر نظر ما و به وحی ما کشتی را بساز» (فولادوند، ۱۳۷۳) پس خداوند می خواهد که انسان را عاقل، متفکر و خلاق بار بیاورد. به قولی از قرآن کریم؛ مگر می شود انسان به زیور هستی آراسته (تین / ۴) و روح خدا در او دمیده شده (فجر / ۲۹) و در روی زمین جانشین خدا شده (بقره / ۲۸) و خداوند به او کرامت و بزرگی بخشیده باشد (اسراء / ۱۷) و شنوایی و بینایی و دانایی (بقره / ۲۹) و قدرت بیان و نوشتن (رحمن / ۳۰۲) را داشته باشد ولی خلاق نباشد (قاسمی، ۱۳۸۰: ۷).

البته اگر انسان می تواند خلاقیتی داشته باشد از این جهت است که مجرای فیض خلاقیت حق است (جوادی آملی، ج ۶، ۱۳۷۲: ۱۲۱۲). خداوند سبحان با کلمات بسیاری در خصوص خلاقیت صحبت می کند که از جمله آنها می توان به فاطر، بدیع، صَنَع، خَلَق، جَعَلَ، وَجَدَ، کُنْ، أَمَرَ، بَدَأَ، اِنشَاء و... اشاره کرد. خداوند با اسم هایی همچون فاطر، خالق، بدیع، مبدع در رشته نظام فاعلی جلوه می کند (جوادی آملی ج ۲، ۱۳۶۶: ۴۴۲).

«رب السموات و الارض فطرهن» (انبیاء / ۵۶)

پروردگار آسمان ها و زمین است که ایجادشان کرده است. به نظر می رسد که باید رموز خلاقیت را از کلام وحی شناخت. معرفت به ابعاد مختلف خلاقیت های خداوند متعال از طریق غور در آیات الهی می تواند باب تازه ای در راه اشاعه تفکر خلاق باشد. از خلاقیت تعابیر و تعاریف متعددی ارائه شده است. به عنوان مثال از آن به عنوان به وجود آوردن چیزی که قبلاً وجود نداشته است - خواه یک محصول، خواه یک فرایند، خواه یک فکر باشد - یاد شده است. بنابراین انسان از خود خلاقیت نشان می دهد اگر:

- چیزی را که قبلاً وجود نداشته اختراع کند.
- چیزی را اختراع کند که در جای دیگر وجود دارد ولی انسان از آن آگاه نباشد.
- برای انجام کاری فرآیند جدیدی اختراع کند.
- فرایند یا محصول موجود را در یک بازار جدید یا بازار دیگری مجدداً به کار گیرد.
- دیدگاه کسی را نسبت به چیزی عوض کند (نوآوری بی انتها: ۱۳۸۳).

در این مقاله سعی خواهد شد، آفرینش انسان و خلیفه الهی بودن او، تفاوت آفرینش خداوندی با نوآوری انسانی، تفاوت بین کلماتی که در قرآن در مورد خلاقیت آمده است و زمینه های بروز خلاقیت را از طریق استخراج آیات مربوطه و رجوع به تفاسیر مختلف تبیین نماییم. شایان ذکر است در این مقاله از تفاوت بین واژه های خلاقیت و نوآوری صرف نظر شده است.

۲. ایجاد از عدم

کلماتی که در قرآن کریم دلالت بر خلاقیت خداوند از عدم و نیستی می کنند ریشه در «فَطَرَ» دارند. این ریشه بیشتر به

و دین فطرت وصف کرده است (طباطبایی ج ۷، ۱۳۶۳: ۲۶۷). البته نکته‌ای که از این آیه علاوه بر اصل توحید برداشت می‌شود این می‌باشد که محال است آدمی یا هر مخلوق دیگر به کمالی برسد که بر حسب خلقتش مجهز به وسایل رسیدن به آن نباشد. از جمله آیات دیگری که می‌توان به آنها اشاره کرد عبارتند از:

«ان اجری الاعلی الذی فطرنی» (هود/ ۵۱)

«پاداش من جز بر عهده کسی که مرا آفریده نیست.»

«فاطر السموات و الارض انت ولی» (یوسف/ ۱۰۱)

ای پدید آورنده آسمان‌ها و زمین تنها تو در دنیا و آخرت مولای منی.

«فی الله شک فاطر السموات و الارض» (ابراهیم/ ۱۰)

«مگر درباره خدا، پدید آورنده آسمان‌ها و زمین تردیدی است؟» چون خدا خالق هر چیز است رب هر چیز هم همان خداست او که آفرید می‌داند چگونه بپروراند. چنانچه در آیاتی که گذشت ملاحظه شد خداوند در آفریده‌هایش بی‌مثل و مانند است؛ بنابراین خداوند می‌گوید خلق کردن، هستی دادن و موجود کردن است.

از جمله آیات دیگری که در این خصوص می‌توان به آنها اشاره کرد عبارتند از:

«فسیقولون من یعدنا قل الذی فطرکم» (اسرا/ ۵۱)

«بگو، همان کسی که نخستین بار شما را پدید آورد.»

«رب السموات و الارض فطرهن» (انبیاء/ ۵۶)

«پروردگار آسمان و زمین است که ایجادشان کرده است.»

«مالی لاعبد الذی فطرنی و الیه ترجعون» (یس/ ۲۲)

«چرا من آفریننده خود را نپرستم؟»

«الا الذی فطرنی فانه سیهین» (زخرف/ ۲۷)

«مگر از آن خدایی که مرا آفریده که هدایت‌م خواهد کرد.»

بنابراین از آیات فوق استنباط می‌شود که عالی‌ترین نوع خلاقیت، توانایی ایجاد و آفرینش از عدم و نیستی به هستی است و این خصیصه مخصوص پروردگار است.

۳. آفرینش بدون الگو

الفاظی که در قرآن کریم بر خلاقیت خداوند بدون داشتن

صورت کلماتی همچون «فاطر، فطرنی، فطرکم، فطرهن»، در قرآن دیده می‌شود و در سوره‌هایی همچون انعام، هود، یوسف، ابراهیم، اسراء، طه، انبیاء، روم، فاطر، یس، زمر، شورا و زخرف به چشم می‌خورد.

«الحمد لله فاطر السموات و الارض» (فاطر ۱)

«سپاس خدایی را که پدید آورنده آسمان‌ها و زمین است.»

فاطر از فطر به معنی شکافتن و پاره کردن است. گویی

خداوند عدم را پاره کرده است و از درون آن آسمان‌ها و زمین را بیرون آورده است.

«کلمه فاطر عنایت بر طرد عدم و بر ایجاد چیزی است از

اصل، نه مانند کلمه صانع که به معنای آن کسی است که مواد مختلفی را با هم ترکیب می‌کند و از آن صورتی جدید از قبیل خانه، ماشین و... که وجود نداشت درست می‌کند» (طباطبایی ج ۱۷، ۱۳۶۳: ۴).

کلمه فاطر السموات و الارض از اسامی خدای تعالی است که به

عنوان صفت آورده شده است و مراد از صفت، صفت استمراری است، برای اینکه ایجاد مستمر و فیض وجود، دائمی و انقطاع ناپذیر است. اگر فیض منقطع می‌شد همه چیز نابود می‌گشت (همان منبع).

بنابراین خداوند است که آفریننده آسمان‌ها و زمین است و

آنها را از ظلمت عدم، به نور وجود درآورده است و نعمت هستی و تحقق ارزانی داشته است، آنگاه به منظور بقاء وجود، نعمت‌های دیگری که بقای وجود آسمان و زمین بستگی به آن دارد به دست او به وجود آمده است (همان منبع).

آیه ۷۹ سوره انعام چنین می‌فرماید:

«انی وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض»

«من روی اخلاص و پاکدلانه خود را به سوی کسی گردانیدم

که آسمان‌ها و زمین را پدید آورده است.»

این آیه اشاره به توحید و یگانگی خداوند دارد، چنانکه

می‌فرماید روی خود را متوجه آن کسی می‌کنم، کنایه از این است که من با عبادت خود تنها به سوی خداوند روی می‌آورم. در اینکه از میان همه الفاظی که دلالت بر خلقت دارند مانند خالق، بدیع، باری فقط اشاره به «فاطر» است و این کلمه برگزیده می‌شود اشاره است به اینکه آن دینی که ابراهیم (ع) از میان ادیان انتخابش کرد، دین فطرت است. لذا، در قرآن مکرر دین توحید را به دین ابراهیم

است و خلاقیت و آفرینش، شروع هر چیزی در دنیا است. البته از این آیات مشخص می‌شود که از جمله اصول خلاقیت، داشتن اصالت و ابتکار است. چنانچه ملاحظه می‌شود خداوند در این صفت بی‌نظیر است.

۴. آفریدن از راه ترکیب

الفاظی که در قرآن کریم اشاره بر خلاقیت خداوند از طریق ترکیب چیزهای موجود دارند ریشه در «خَلَقَ» دارند. کلماتی از قبیل یخلق، خلقکم، خلقنا، خلقوا، خلقتُهُ و... در سوره‌هایی مانند بقره، آل عمران، نساء، مائده و... دیده می‌شود. بیش از ۲۵۰ مرتبه خَلَقَ و مشتقات آن در قرآن تکرار شده است. «خلق» به حسب اصل لغت به معنی سنجش و اندازه‌گیری چیزی است برای اینکه چیز دیگری از آن بسازند (طباطبایی ج ۸، ۱۳۶۳: ۱۸۳).

از آنجا که آیات و سوره‌هایی که اشاره به خلقت خداوند از ترکیب چیزهای موجود دارد یعنی ریشه در خَلَقَ دارند - زیاد می‌باشند لذا، به ارائه برخی از آیات در این زمینه بسنده می‌شود.

در سوره بقره آیه ۲۱ می‌فرماید:

«يا ايها الناس اعبدوا ربكم الذي خلقكم و الذين من قبلكم

لعلكم تتقون»

«ای مردم، پروردگارتان را که شما، و کسانی را که پیش از شما بوده‌اند آفریده است، پرستش کنید باشد که به تقوا گرایید».

«خلق» انجام کاری است که مطابق حکمت و مصلحت و از روی اندازه‌گیری دقیق و معین باشد و از همین ماده، کلمات خلق به معنای طبع و طبیعت و خلاق به معنای نصیب و سهم مشتق شده است (طبرسی ج ۱، ۸۸: ۱۳۵۰-۶۰).

در این آیه خداوند برای بیان نعمت‌های خود به مردم آفرینش آنها و گذشتگان رایادآوری می‌کند تا خدا را فراموش نکرده، از گناه دوری جویند و خویشندار باشند. همچنین می‌توان چنین استنباط نمود که توجه انسان به ربوبیت و خلقت خود و تدبیر در زمین و آسمان می‌تواند زنجیر پیوسته عادات و تقالید را بگسلاند و عقل را آزاد سازد. انسان می‌تواند با تفکر در خلقت خود و جهان، رب حقیقی را بشناسد و او را عبادت کند (طالقانی ج ۱، ۱۳۵۸: ۸۵).

الگو و نمونه اشاره می‌کنند ریشه در «بَدَعُ» دارند و بیشتر به صورت کلماتی همچون بدیع، بدعا، ابتدعوها در سوره‌هایی همچون بقره، انعام، احقاف و حدید دیده می‌شوند.

«بدیع السموات و الارض و اذا قضی امرنا فانما یقول له کن فیکون» (بقره/ ۱۱۷)

«او پدید آورنده آسمان‌ها و زمین است و چون به کاری اراده فرماید فقط می‌گوید موجود باش پس فوراً موجود می‌شود».

بدیع السموات و الارض یعنی خداوند موجودات را به علم خود ایجاد کرده است بدون نمونه، پیش از این آسمان و زمینی نبود. از سوی دیگر اراده خداوند ایجاد اوست؛ زیرا در خداوند فکر و قصد و خیال نیست و اراده خداوند فعلیت موجود است (بروجردی ج ۱، ۱۳۴۱: ۲۴۸).

بنابراین «هستی بخش آسمان‌ها و زمین اوست و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر می‌کند می‌گوید موجود باش و آن فوراً موجود می‌شود» (مکارم شیرازی ج ۱، ۱۳۶۸: ۲۹۷).

در اینجا کلمه «بدیع» تقریباً معنایی مشابه کلمه فاطر می‌دهد، با این تفاوت که در کلمه ابداع، عنایت بر نبودن الگوی قبلی است و در کلمه فاطر عنایت بر طرد عدم و بر ایجاد چیزی از اصل است.

خداوند متعال در سوره انعام آیه ۱۰۱ چنین می‌فرماید:

«بدیع السموات و الارض ائی یکون له ولد و لم تکن له صاحبه

و خلق کل شیء و هو بکل شیء علیم»

«پدید آورنده آسمان‌ها و زمین است چگونه او را فرزندی باشد، در صورتی که برای او همسری نبوده است و هر چیزی را آفریده و اوست که بر هر چیز داناست».

بدیع السموات و الارض یعنی خداوند ایجاد کرد تمام موجودات را به علم ازلی خود بدون آنکه پیش از آنها نمونه و مثالی داشته باشد و آفرید آسمان و زمین را و نبود سابق بر آن آسمان و زمینی (بروجردی، ج ۲، ۱۳۴۱: ۳۴۶).

چنانچه ملاحظه می‌شود مجدداً در این آیه تأکید بر این است که خلاقیت خداوند بدون داشتن الگو است. از سوی دیگر اشاره می‌شود که آغاز خلاقیت با آغاز خلقت از سوی خداوند همراه

۱. انعام، اعراف، توبه، یونس، هود، رعد، ابراهیم، حجر، نحل، اسراء، کهف، مریم، طه، انبیاء، حج، مؤمنون، نور، فرقان، شعراء، نمل، قصص، عنکبوت، روم، لقمان، سجده، سبأ، فاطر، یس، صافات، ص، زمر، غافر، فصلت، شعوری، زخرف، دخان، احقاف، حجرات، ق، ذاریات، طور، نجم، قمر، رحمان، واقعه، حدید، حشر، تغابن، طلاق، ملک، قلم، معارج، نوح، مدثر، قیامه، انسان، مرسلات، نبا، نازعات، عبس، انفطار، طارق، اعلی، غاشیه، مجز، بلد، لیل، تین، علق و فلق.

بنابراین نیروی تفکر و خلاقیت می تواند انسان را از شرک برهاند؛ چرا که شرک و کفر نتیجه غفلت است کلمه "لعلکم تتقون" که می گوید توجه و هشیاری به ربوبیت موجب عبودیت و آن موجب تقوای مستمر و متکامل می گردد به "خلقکم" نیز وابسته است و می گوید این فشرده نیروها و استعدادها که به صورت آدمی درآمده باید ضمیر و فکر خود را به مبدأیی بپیوندند و به او روآورد تا شاید احساس مسؤولیت نسبت به سرمایه های معنوی در وی بیدار گردد و استعدادهای خود را با هم و هماهنگ به کار اندازد و هر چه بیشتر پیش رود همین سر تقوا است.

همچنین در آیه ۲۹ سوره بقره می فرماید:

«وَالَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ السَّمَوَاتِ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»
 «اوست آن کسی که آنچه در زمین است، همه را برای شما آفرید، سپس به آفرینش آسمان پرداخت و هفت آسمان را استوار کرد، و او به هر چیزی داناست.»

چون نهایت و غایت خلقت به حیات می رسد و در مظهر وجود، آدمی کامل و متکامل می گردد و همه خلق برای تصرف و تدبیر انسان و مقدمه وجود او می باشد، می توان استنباط کرد که زمین و هر چه در آن است برای انسان می باشد. بنابراین اگر چشم، گوش، ادراک و تفکر و دیگر قوای آدمی نبود همه آنچه دیدنی و شنیدنی و اندیشیدنی است بیهوده بود (طباطبایی ج ۱، ۱۳۵۸: ۱۰۵). در تفسیر خلق در این آیه آمده است که "خلق" به معنی آفرینش از روی اندازه گیری معین و دقیق است (طبرسی ج ۱، ۱۱۲: ۱۳۵۰-۶۰).

در آیه ای دیگر آمده است:

«ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل و النهار و...»
 (بقره، ۱۶۴)

«راستی که در آفرینش آسمان ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز و کشتی هایی که در دریا روانند با آنچه به مردم سود می رساند و همچنین آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و با آن زمین را پس از مردنش زنده گردانیده و در آن هر گونه جنبه ای پراکنده کرده و نیز در گردانیدن بادها و ابری که میان آسمان ها و زمین آرمیده است برای گروهی که می اندیشند واقعاً نشانه هایی گویا وجود دارد.»

در تفسیر این آیه گفته شده که کشتی از نخستین کشفیات و مصنوعات انسان است که خود از نشانه های عظیم جهان و قدرت اندیشه می باشد. انگیزه بسط قدرت و احتیاج و خروج از محیط طبیعی و ارتباط با اقوام دور، انسان را برانگیخت تا خواص اجسام، قوانین اوزان و جریان بادها را دریابد و چنین وسیله ای بسازد و همین اولین جهش به سوی تکمیل وسایل، تسخیر دریاها و سپس هوا و فضا بود. بنابراین روابط و هماهنگی بین مخلوقات خداوند متعال وحدت قدرت و تدبیر را می نمایاند و برای مردمی که می اندیشند طریق پیشرفت فکری و شناخت جهان است (طالقانی ج ۲، ۱۳۵۸: ۳۲).

این آیه اشاره به این دارد که نگاه و تفکر در طبیعت و حکمت های نهفته در آن یکی از اسرار ایجاد خلاقیت در انسان است و از طریق این مناظره انسان می تواند به سرچشمه های خلاقیت نزدیک شود. قرآن در رهبری فکری، عناصر جهان و پدیده های آن را به صورت آیات حکمت و قدرت می نمایاند تا هر چه بیشتر آفاق تفکر باز گردد.

در سوره بقره آیه ۲۲۸ آمده است:

«وَالْمُطَلَقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ... خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ...»
 «و زنان طلاق داده شده باید مدت سه پاکی انتظار کشند و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارند... برای آنان روا نیست که آنچه را خداوند در رحم آنان آفریده، پوشیده دارند.»
 در سوره آل عمران آیه ۴۷ چنین آمده است:
 «قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ... كَذٰلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ...»

«مریم گفت: پروردگارا چگونه مرا فرزندی خواهد بود با آنکه بشری به من دست نزده است گفت: چنین است کار پروردگار. خدا هر چه بخواهد می آفریند، چون به کاری فرمان دهد فقط به آن می گوید باش پس می باشد» (طالقانی ج ۵، ۱۳۵۸: ۱۳۶).

در این آیه به یکی از ویژگی های عمده خلقت خداوندی اشاره می کند و آن عبارت از این است که به مجرد اینکه خداوند اراده کند، چیزی خلق شده است. از سوی دیگر، خلق چیزهایی که از نظر انسان غیرممکن است برای خداوند سهل و امکان پذیر است. شاید بتوان از این آیه شریفه این نکته را دریافت که ممکن است در مسیر خلاقیت، پدیدآوردن بسیاری از چیزها در ابتدا غیرممکن به نظر برسد ولی ایجاد آنها غیرممکن نیست و به طور

جهان آفرینش و نقش‌های بدیع و طرح‌های زیبا سرچشمه‌هایی فوق‌العاده، برای الگوگیری در خلاقیت‌هایی است که به وسیله انسان انجام می‌شود. بنابراین از آیه فوق می‌توان دریافت که تفکر و اندیشیدن در خصوص روابط و چگونگی آفرینش مخلوقات خداوند، راهی دیگر برای نزدیک شدن به خلاقیت است.

دانشمندی به نام گیلفورد^۱ تفکر را به دو نوع همگرا^۲ و اگرآ^۳ تقسیم می‌کند. در تفکر همگرا انسان متمایل به یادگیری از پیش تعیین شده‌ها، ابقای ناشناخته‌ها و نگهداری آنچه که هست، می‌باشد و در واقع به دنبال یک جواب صحیح است. در تفکر و اگر انسان تمایل دارد شناخته شده‌ها را تجدیدنظر کند، نامعلوم‌ها را کشف نماید، آنچه را که می‌تواند باشد، بسازد و برای مشکلات راه حل‌های متفاوت ارائه کند(نلر ۱۳۶۹: ۸).

در آیات سوره‌های نساء (۱، ۲۸، ۱۱۹) و مائده (۱۷، ۱۸، ۱۱۰) نیز اشاراتی در خصوص آفرینش و خلق خداوند به چشم می‌خورد. همچنین در سوره انعام آیات ۱ و ۲ چنین آمده است:

«الحمد لله الذی خلق السموات و الارض و جعل الظلمات و النور... هو الذی خلقکم من طین»

«ستایش خدایی را که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را پدید آورد. اوست کسی که شما را از گل آفرید.» در اینجا اشاره به دو آفرینش شده است: یکی آفرینش آسمان‌ها و زمین که در آن ترکیب راه دارد؛ یعنی از ترکیب چیزهایی به وجود آمده است و دیگری خلقت نور و ظلمت که از ترکیب چیزی با چیز دیگر حاصل نمی‌شود(طباطبایی، ج ۷، ۱۳۶۳: ۴).

البته در سوره انعام آیات ۷۳، ۹۴، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲ نیز اشاراتی به مسأله خلاقیت خداوند می‌شود. در سوره‌های اعراف آیات ۱۱، ۱۲، ۵۴، ۶۹، ۱۸۱، ۱۸۵، ۱۸۹، ۱۹۱ و سوره توبه آیات ۳۵ و ۶۸ و سوره یونس آیات ۳، ۴، ۵، ۶ و ۳۴ با تذکر به چگونگی آفریدن مخلوقات خداوند، دو اصل توحید و معاد رایادآوری می‌نماید.

در سوره هود آیه ۷ این چنین آمده:

«... خلق السموات و الارض فی سته ایام و کان عرشه علی الماء..»

«او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید و

کلی افراد خلاق با این تفکر عمومی که چیزی غیرممکن است به مبارزه برمی‌خیزند.

در سوره آل عمران آیه ۴۹ چنین می‌فرماید:

«وَ رَسُوْلًا بَنِي اِسْرَائِيْلَ وَ... اَنْتِ اَخْلَقْتِ لَكُمْ مِنَ الطِّيْنِ»

«و او (حضرت عیسی^۴) را به عنوان پیامبری به سوی بنی اسرائیل می‌فرستد که به آنان می‌گوید: در حقیقت من از جانب پروردگارتان برایتان معجزه‌ای آورده‌ام. من از گل برای شما چیزی به شکل پرنده می‌سازم آنگاه در آن می‌دمم پس به اذن خداوند پرنده می‌شود.»

در اینجا «أخلاق» قدرت و تصویر آفرینش را می‌نمایاند. باز مشخص می‌شود که انسان از چیزهایی که هست (وجود دارد) به اذن خداوند می‌تواند چیزهای دیگری خلق کند ولی نمی‌تواند از عدم و نیستی چیزی را بیافریند. به طوری که در آیه مذکور مشاهده می‌شود پرنده از گل که در عالم وجود دارد ساخته می‌شود.

خداوند متعال در سوره آل عمران آیه ۵۹ می‌فرماید:

«لَنْ مَثَلٌ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ...»

«در واقع مَثَل عیسی نزد خدا همچون مثل خلقت آدم است که او را از خاک آفریده سپس بدو گفت باش پس وجود یافت.» عوالم را به دو قسمت تقسیم می‌کنند: عالم خلق(عالم ماده) و عالم امر(عالم ماورای ماده) که هر دو تحت امر خداوند است(مکارم شیرازی ج ۲، ۱۳۷۳: ۴۳۵). بنابراین به نظر می‌رسد که خلقت‌هایی که به وسیله انسان انجام می‌شود مربوط به عالم ماده و ماهیت چیزهاست نه در ذات آنها.

«ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل و النهار و...»

(آل عمران/ ۱۹۱ و ۱۹۰)

«مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی‌یکدیگر آمدن شب و روز برای خردمندان نشانه‌هایی قانع‌کننده است.»

در این آیه خلق به معنای حصولی: پدیده، آفرینش و اندازه است و به معنی مصدری: آفریدن، پدید آوردن، یکسان کردن و رام کردن است(طالقانی ج ۵، ۱۳۵۸: ۴۴۸).

در این آیه خداوند بشر را به اندیشیدن تشویق می‌کند. براستی

2. Guilford
3. Convergence
4. Divergence

عرش او بر آب بود...».

از این آیه چنین بر می‌آید که خلقت آسمان‌ها و زمین به این شکل و وضعی که ما می‌بینیم نبوده و به این شکل از عدم طاهر نشده بلکه از چیز دیگری خلق شده که آن چیز قبلاً وجود داشته است و آن ماده‌ای متشابه الاجزاء و روی هم انباشته شده بود که خدای تعالی این ماده متراکم را جزء جزء کرد و اجزاء آن را از یکدیگر جدا ساخت. از قسمتی از آن در دو برهه از زمان زمین را ساخت و سپس به آسمان پرداخت و در دو برهه از زمان آن را به صورت هفت آسمان در آورد. دیگر اینکه آنچه ما از موجودات زنده می‌بینیم از آب آفریده شده اند. پس «آب» ماده حیات هر جنیده‌ای است (طباطبایی ج ۱۰، ۱۳۶۳: ۲۱۷).

شاید بتوان این نکته را دریافت که در خلقت‌هایی که انجام‌یافته است، چیزهایی که علاوه بر ایجاد دارای جان نیز می‌باشند، چیزهایی هستند که در ترکیب آنها «آب» به کار رفته است. با نگاه به آفرینش‌هایی که به دست انسان‌ها صورت گرفته می‌بینیم که تقریباً تمامی آنچه بشر خلق کرده بی‌جان می‌باشد و توجه به این رمز که استفاده از آب در جریان خلق می‌تواند جان نیز ایجاد کند باید مورد توجه بشر قرار گیرد.

سوره‌های رعد آیه ۱۶، ابراهیم آیات ۱۹، ۳۲، حجر آیات ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۳، ۸۵، ۸۶، نحل آیات ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۷، ۲۰، ۴۸، ۷۰، ۸۱ و اسراء آیات ۴۹، ۵۱، ۹۸، ۹۹ اشاراتی به آفریده‌های خداوند، تفکر در آفریده‌ها، استحقاق خداوند برای پرستش، بحق آفریدن چیزها توسط خداوند و تفاوت میان آفریدن نو و بازگرداندن مجدد دارند.

در سوره اسراء آیه ۷۰ می‌فرماید:

«فَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»

«... و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری دادیم.»

در اینجا به نعمت عقل اشاره می‌شود و معنای تفضیل ناشی از عقل انسان است. البته یکی از دلایل اینکه خداوند خلقتش مراحل گوناگون دارد از این آیه استنباط می‌شود؛ چرا که خداوند به خلقت انسان با دو دست خود اشاره می‌کند در حالی که خلقت سایر موجودات با کلمه «کن» «باش» ممکن می‌شود. و این نیز یک دلیل برتری انسان‌ها بر سایر آفریده‌های خداوند است (طباطبایی ج ۱۳، ۱۳۶۳: ۲۰۹).

در سوره‌هایی همچون کهف آیات ۳۷، ۴۸، ۵۱ و مریم آیات ۹، ۶۷، و طه آیات ۴، ۵۰، ۵۵ به ارتباط خلاقیت با اصول توحید و معاد اشاره دارند و می‌خواهند از طریق توجه انسان به تفکر در آفریده‌های خداوند، به ایجادکننده آنها (خداوند) و بازگشت به سوی او (معاد) اشاره کنند.

در سوره انبیاء آیات ۱۶، ۳۳، ۳۷ و ۱۰۴ در مورد خلاقیت خداوند صحبت می‌شود و در آیه ۳۷ به اینکه انسان از «شتاب» آفریده شده است اشاره می‌کند. گرچه منظور عجول بودن انسان است ولی شاید اشاره باشد به این مطلب که آدمی برای میل به کار و کوشش و هم علاقه بنمایاندن برتری‌های خود می‌خواهد به زودی و شتاب به مقصود خود برسد، یعنی ریشه تمدن و همزیستی آدمی شتاب در کار است و اگر این روح شتابزدگی برای کار شایسته و درست باشد نیکو و سرمایه پیشرفت است (عاملی، ج ۶، ۱۳۶۳: ۱۶۰).

آیات ۵ سوره حج و ۱۴ سوره مؤمنون مجدداً در خصوص آفرینش انسان اما از زوایای دیگر بحث می‌کنند چنانکه می‌فرماید:

«پس بدانید که ما شما را از خاک آفریده ایم، سپس از نطفه، سپس از علقه (خون بسته)، آنگاه از مضغه (پاره گوشت) دارای خلقت کامل و خلقت ناقص، تا (قدرت خود را) بر شما روشن گردانیم و آنچه را اراده کنیم تا مدتی معین در رحم‌ها قرار می‌دهیم، آنگاه شما را به صورت کودک برون می‌آوریم و...».

در این آیه خداوند سبحان به مراحل ایجاد و خلقت انسان و به نوعی به مراحل خلاقیت خویش در خصوص آفرینش بشر اشاره می‌کند. در سوره مؤمنون آیه ۱۴ آنجا که می‌فرماید:

«فتبارک الله احسن الخالقین»

«او بهترین آفرینندگان می‌باشد.»

اشاره به این دارد که غیر از خداوند تعالی کسانی دیگر هستند که می‌توانند خلاقیت داشته باشند که البته منظور انسان است (لاهیجی، ج ۳، ۱۳۶۳: ۲۲۰). به عبارت دیگر، از آیه چنین استفاده می‌شود که کار خلق برای خدا و دیگر موجودات الهی به کار می‌رود که خداوند خود را احسن الخالقین ذکر کرده است. در تفسیر شریف لاهیجی آمده است که: خداوند متعال آدمی را از هفت مرتبه به حد انسانیت رساند. اول سلاله، دوم

موجودات را متمایز از یکدیگر خلق کند و این نیز فرع آنست که اصلاً بخواهد موجوداتی بیافریند (طباطبایی ج ۱۹، ۱۳۶۳: ۳۷۳). در قرآن سوره های دیگری نیز یافت می‌شوند که به خلاقیت اشاره می‌کنند.^۳

در پایان این بحث به این نکته می‌توان اشاره کرد که خلاقیت یکی از بارزترین صفات حق تعالی است. خداوند با این صفت خود را به انسان‌ها معرفی می‌کند به گونه‌ای که آغاز وحی او با خلاقیت همراه است. چنانچه به رسول اکرم (ص) می‌فرماید: اقرء باسم ربک الذی خلق (علق، ۱). یکی از نموده‌های خلاقیت در انسان این است که می‌تواند اندیشه‌های خود را ثبت کند و بنویسد و به دیگران انتقال دهد، بهمین جهت کرامت الهی را در وجود خودمان بهتر و بیشتر درک می‌کنیم:

«اقرأ و ربک الأکرام * الذی علم بالقلم * علم الانسن مالم یعلم (علق ۳-۵)

بخوان، و پروردگار تو کریم ترین [کریمان] است. همان کسی که به وسیله قلم آموخت. آنچه را که انسان نمی‌دانست [بتدریج به او] آموخت».

۵. آفرینش خلیفه الهی

خداوند متعال در آیه ۳۰ سوره بقره می‌فرماید:

«اذ قال رَبُّک للملائکة انی جاعل فی الارض خلیفه»

«می‌خواهم در زمین خلیفه قرار دهم».

حرف تأکید این نشان می‌دهد که تصمیم درباره جعل خلیفه بسیار جدی است مقصود از جعل خلیفه، قرار دادن جانشین و نماینده‌ای است که بتواند آن گونه که خداوند عالم و عادل و خلاق است او نیز در حد امکان چنین باشد. خلیفه یعنی کسی که بعد از مستخلف عنه قرار می‌گیرد و در خلف و ورای او واقع می‌شود. بنابراین انسان کامل که خلیفه خداوند است بالعرض به کل شیء محیط است و خدایی که بر همه چیز محیط است آثار قدرتش، از دست و بدن انسان کامل ظهور می‌کند و این انسان کامل که مظهر آن اصل است، محیط بر همه چیز می‌شود و این ارج مقام انسانیت

نطفه، سوم علقه، چهارم مضغه، پنجم عظام، ششم لحم و این ششش تعلق به جسد دارد و مرتبه هفتم ایلاج روح است. البته در آیه ۷۳ سوره حج، همچنین آیات ۱۲، ۱۴، ۱۷، ۹۱، ۱۱۵ سوره مؤمنون نیز به خلاقیت خداوند اشاره شده است.

سوره‌های نور آیه ۴۵، فرقان آیات ۲، ۳، ۴۹، ۵۴، ۵۹، شعراء آیات ۷۸، ۱۶۶، ۱۸۴، نمل آیات ۶۰، ۶۴، قصص آیه ۶۸، عنکبوت آیات ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۴۴، ۶۱، روم آیات ۸، ۱۱، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۷، ۳۰، ۴۰، ۵۴ اشاره به خلاقیت خداوند دارند چنانچه در آیه ۲۲ سوره روم می‌فرماید:

«من آیاته خلق السموات و الارض ...».

«از نشانه‌های قدرت او آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌های شما و رنگ‌های شماست».

قطعاً در این امر نیز برای دانشوران نشانه‌هایی است.

بدون شک تنوع و فراوانی رنگ‌ها، نژادها، شکل‌های مخلوقات عالم نشان‌دهنده قدرت خلاقیت ایزدمنان است. توجه به تنوع، فراوانی و گوناگونی مخلوقات ما را به دو اصل رهنمون می‌سازد که عبارتند از: روانی فکر^۴، ایده و انعطاف‌پذیری^۵ (جوادیان ۱۳۷۸: ۱۳).

شاید خداوند متعال با این آیات به انسان‌ها می‌گوید که خلاقیت‌های آنها باید متنوع و گوناگون باشد. در آیه ۲۴ سوره حشر می‌فرماید:

«هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء ..».

«او خداوندی است خالق، آفریننده‌ای بی‌سابقه و صورتگری بی‌نظیر».

در این آیه کلمه “خالق” به معنای کسی است که اشیایی را با اندازه‌گیری پدید آورده باشد و کلمه “بارئ” نیز همان معنا را دارد با این فرق که بارئ پدید آورنده‌ای است که اشیایی را که پدید آورده از یکدیگر ممتازند و کلمه “مصور” به معنای کسی است که پدید آورده‌های خود را طوری صورتگری کرده باشد که به یکدیگر مشتبه نشوند. بنابراین کلمات سه گانه هر سه متضمن معنای “ایجاد” هستند اما به اعتبارات مختلف که بین آنها ترتیب هست برای اینکه تصویر فرع این است که خدای تعالی بخواهد

۵. سیالی ذهن به ۴ صورت کلامی، تصویری، تداعی و توصیفی است.

۶. انعطاف ذهنی شامل دو نوع خلق الساعه و انطباقی است.

۷. از جمله آیاتی دیگر که به خلاقیت خداوند متعال اشاره می‌کنند عبارتند از: تغابن (۲، ۳)، طلاق (۱۲)، ملک (۲، ۳، ۱۴)، معارج (۱۹، ۳۹)، نوح (۱۴، ۱۵)، مدثر (۱۱)، قیامه (۳۸)، انسان (۲، ۲۸)، مرسلات (۲۰)، نبا (۸)، نازعات (۲۷)، عبس (۱۸، ۱۹)، انفطار (۷)، طارق (۵، ۶)، اعلی (۲)، غاشیه (۱۷)، فجر (۸)، بلد (۴)، لیل (۳)، تین (۴)، علق (۱۰، ۲) و فلق (۲).

است. انسان کامل نامتناهی بالعرض است بنابراین ذات انسان کامل، ذات خدا، صفات خلیفه، صفات حق و افعالش مظهر افعال حق خواهد بود (جوادی آملی ج ۶، ۱۸۲ - ۱۳۷۳: ۱۸۰).

با رجوع به قرآن کریم درمی یابیم که: خداوند خلق و آفرینش هیچ چیز دیگر را قبلاً اعلام نکرد و با فرشتگان در میان نگذاشت جز در مورد انسان، و مخازن غیب را تنها به انسان کامل نشان داد. چنانچه در آیه ۳۱ سوره بقره می فرماید: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ». «بنابراین خداوند متعال همه اسماء را به آدم آموخت». از آنجا که هر چه در طبیعت یافت شود ریشه اش در مخزن غیب خداست بنابراین انسان کامل از آن ریشه باخبر است و از این جهت که انسان مجرای فیض خلاقیت حق است می تواند خلاقیت داشته باشد.

همچنین خداوند می فرماید: «خَلَقْتُ بَيْدَى» (ص / ۷۵) «من آدم را با هر دو دست خلق کردم» و این نشانه عظمت و بزرگی انسان کامل است.

خداوند سبحان به طور عادی می فرماید که: خدا، عرش، لوح، قلم و سماوات را آفرید اما نوبت به آفرینش انسان کامل که می رسد می فرماید: من می خواهم خلیفه خلق کنم. پیداست که این امر از ویژگی خاصی برخوردار است که دیگر موجودات الهی برخوردار نیستند.

«ان جاعل فی الارض خلیفه» (بقره ۳۰) «جَعَلَ» لطیف تر از خلقت است (جوادی آملی ج ۶، ۱۳۷۲: ۱۹۶).

خداوند بخشی از خلقت آدم را که به عالم طبیعت مرتبط است به خاک نسبت داده می فرماید:

انی خالق بشر من طین (ص / ۷۱) و جنبه تجرد او را به خود نسبت داده و می فرماید: «فَاذًا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (ص / ۷۲).

به همین ترتیب خداوند تبارک و تعالی در سوره سجده می فرماید:

«الذی احسن کل شیء خلقه و بدأ خلق الانسان من طین ثم جعل نسله من سلالة من ماء مهین ثم سواه و نفخ فیہ من روحة و جعل لکم السمع و الابصار و الافئدة لیلیاً ما تشکرون» (سجده/ ۷ تا ۹)

خدا انسان را اول از گل آفرید، بعد نسلش را از آب خلق کرد...

همچنین در سوره غافر آیه ۶۷ می فرماید:

«هو الذی خلقکم من تراب ثم من نطفه ثم من علقه

ثم یخرجکم طفلاً»

«خداوند ابتدا شما را از خاک خلق کرد، بعد از نطفه بعد از علقه و بعد به صورت کودکی برمی آورد» (جوادی آملی ج ۶، ۱۳۷۲: ۲۰۹).

بنابراین انسان ها خصوصیات ویژه ای دارند که سایر موجودات از داشتن آن عاجز می باشند. از نظر قرآن کریم جهان آفرینش به سه بخش تقسیم می شود: عالم طبیعت، عالم مثال و عالم مجرد (جوادی آملی، ج ۷، ۱۳۷۳: ۱۱۱). هر موجود امکانی و مخلوق به نوبه خود در یکی از بخش های سه گانه عالم آفرینش یافت می شود.

تنها انسان است که می تواند «کون جامع» باشد و از عالم طبیعت تا عالم عقل را زیر پوشش احاطه وجودی و شهودی خود در آورد.

«دنا فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی» (نجم / ۹)

عالم مجردات عالیه قبل از آسمان و زمین خلق شدند و از آن به عنوان ام الکتاب، قضا و لوح محفوظ یاد می شود، نازل تر از آن جریان قدر است که لوح محو و اثبات است و نازل تر از آن عالم طبیعت است. هر موجودی که در طبیعت است خزانه ای در لوح محو و اثبات و خزانه ای هم در عالم لوح محفوظ و قضای ثابت دارد. در عالم مجردات تامه سخن از تبدیل و تبدل نیست (جوادی آملی ج ۷، ۱۱۱: ۱۳۷۳).

«ما عندکم ینفد و ما عندالله باقی» (نحل / ۹۶)

«آن چه پیش شماست در معرض زوال است و هر چه عندالله است ثابت است».

بنابراین ساخته های دست بشر به سوی زوال و نیستی و بی نظمی و به قولی آنتروپی^۱ می رود و حال آن که در آفریده های ایزدمنان زوال راه ندارد. همچنین از طریق تفحص و تدبیر در نظم فاعلیه به این نتیجه می رسیم که آغاز همه علل فاعلیه، خداست یعنی، هر کاری که از هر مبدأ فاعلی نشأت می گیرد سرآغاز باید به مبدأ نخست که خداست برسد. همین طور در بحث نظم داخلی به این نتیجه می رسیم که هر موجودی آن چنان منظم خلق شده که تمام لوازم نیازمند و تمام جهازی که در تکامل او نقش دارد و تمام امکاناتی که در پیشرفت او مؤثر است با اوست (احسن الخالقین). در

تبیین نظام داخلی خداوند می فرماید: «هر چه را که خدا آفرید

نیکو آفرید» «الذی احسن کل شیء خلقه» (طه / ۵۰). هر چه را

۱. Entropy همه سیستم ها، صرف نظر از ماهیت، اندازه یا نوع آنها، به مرور زمان، میل به بی نظمی، فروپاشی، رکود، بی حرکتی، کپوت و مرگ دارند.

بالاخره به این می‌رسیم که:

«هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن» (حدید/ ۳)

بنابراین انسانی که توسط خداوند خلق شده است و تمام امکانات برای به کمال رسیدنش در اختیار می‌باشد، برای اینکه بتواند صفات متعالی حق را در وجود خود متجلی سازد و به آفرینش و خلاقیت برسد، باید از اولین پله نردبان پرورش خلاقیت یعنی توحید عبور کند.

آفرین جان آفرین پاک را آنکه جان بخشید و ایمان خاک را
عرش را بر آب بنیاد او نهاد خاکیان را عمر بر باد او نهاد
آسمان را در زبردستی بداشت خاک را در غایت پستی بداشت
آن یکی را جنبش مادام داد و آن دگر را دائماً آرام داد (عطار)
(رفیع پور ۷: ۱۳۸۱)

۶. خلاقیت به وسیله انسان

کلماتی که در قرآن به ایجاد و خلاقیت توسط انسان اشاره می‌کنند ریشه در “صَنَعَ” دارند (با چند استثناء) این ریشه بیشتر به صورت کلمات یَصْنَع، اصنع، صنع، صنعوا، صَنَعَة، در قرآن دیده می‌شود و در سوره‌هایی همچون اعراف، هود، نمل، طه، انبیاء و مؤمنون به چشم می‌خورد. کلمه صنع به معنی کارهای جالب ویا معماری‌های زیبا و چشمگیر است (مکارم شیرازی ج ۶، ۱۳۶۶: ۳۲۸).

چنانچه خداوند در سوره اعراف آیه ۱۳۷ می‌فرماید:

«وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ... مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ»
«و به آن گروهی که پیوسته تضعیف می‌شوند، [بخش‌های] باختر و خاوری سرزمین [فلسطین] را که در آن برکت قرار داده بودیم به میراث عطا کردیم و به پاس آنکه صبر کردند وعده نیکو پروردگارت به فرزندان اسرائیل تحقق یافت و آنچه را که فرعون و قومش ساخته و افراشته بودند ویران کردیم».

همچنین در سوره هود آیات ۳۷ و ۳۸ چنین اشاره شده است:
«و اصنع الفلك بأعيننا و وحينا و لاتخاطبني في الذين ظلموا
إنهم مُّعْرِقُونَ»

«و زیر نظر ما و به وحی ما کشتی را بساز و درباره کسانی که ستم کرده اند با من سخن مگوی ..».

در تفسیر این آیه آمده است که: سپس به نوح امر شد که شروع به ساختن کشتی کند و جبرئیل به امر رب جلیل نازل شد

که خدا آفرید زیبا خلق کرد یعنی، تمام لوازمی که در کمالش نقش دارد به او داد (جوادی آملی ج ۲، ۴۳۹-۱۳۶۶ : ۴۴۰).

در قرآن کریم آنجا که می‌خواهد از راه نظام فاعلی برهان اقامه کند حد وسط آن براهین، خالق، فاطر، بدیع و مبدع است. آنجا که از فطرت، خلقت و ابداع و ابتکار سخن می‌گوید همه و همه مبادی برهان‌هایی است که در تبیین نظام فاعلی نقش دارد (همان منبع).

همچنین در باب اینکه تنها خداوند خالق آسمان‌ها و زمین است می‌فرماید:

«رُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ» (فاطر/ ۴۰)
«آیا بت‌های شما خالقند که آنها را می‌پرستید یا شریک در خلقند؟»

خداوند می‌گوید: بتها نمی‌توانند مورد پرستش قرار گیرند زیرا، نه خالقند و نه در خلقت می‌توانند شریک خداوند باشند. بنابراین از این طریق متوجه می‌شویم که یکی از دلایل خداوند بریگانی خودش خلاقیت، و بدون شریک بودن در خلقت آسمان‌ها و زمین است.

اینجاست که از طریق دقت در خلاقیت‌ها و آفرینش‌های خداوندی به اصل یگانگی و یکتایی خداوند می‌رسیم. بنابراین، یکی از راه‌های اثبات توحید خداوند توجه به خلاقیت‌های اوست.

هر کدام از ۳ نوع نظم (فاعلی، داخلی، غایی) بر فاعلیت، تمامیت و یکتایی خداوند صحه می‌گذارند و قرآن می‌فرماید:

«أَنَا كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا بِقَدْرٍ» (قمر/ ۴۹)
«ما هر چیز را به اندازه آفریدیم».

«الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی» (اعلی/ ۲-۳)
«خدا آفرید و به این موجود آفریده سازمان داد».

«رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه/ ۵۰)
«پس همه اشیاء را خدا آفرید و همه را نیکو آفرید و همه را به مقصد رهبری می‌کند» (جوادی آملی ج ۲، ۱۳۶۶: ۴۴۲).

یعنی سلسله فاعلی، مخلوق‌ها را به “هو الاول” می‌رساند که خداوند مبدأ همه علت‌های فاعلی است و سلسله نظام غایی مخلوق‌ها را به “هو الاخر” که هدف بالذات است می‌رساند و برای اینکه هر چیز به مقصد برسد، آن را به کمال ولایت و ادوات و ابزار در خور مناسب مجهز کرده است.

و تعلیم داد که چگونه چوب درخت را بریده و طول و عرض و بلندی کشتی را تعیین کند (بروجردی ج ۳: ۱۳۴۱، ۲۶۶).

چنین برمی آید که ساختن و خلق کردن به دست بشر و لو اینکه از پیامبران الهی باشد به امر خداوند صورت می پذیرد و انسان ها فقط می توانند مواردی را که دیده اند بسازند و در مواردی که چیزی را ندیده یا نمی دانند از سوی خداوند به آنها الهام می شود.

و یا در سوره طه آیه ۶۹ می فرماید:

«و أَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ...»

«و آنچه را در دست داری بینداز تا هر چه را ساخته اند ببلعد آنچه ساخته اند تنها مکر ساحران است» (مکارم شیرازی: ۱۳۷۳).

و بالاخره در سوره انبیاء آیه ۸۰ چنین می فرماید:

«و عَلَّمْنَاهُ صُنْعَهُ لَبُوسٍ...»

«و به داوود فن زره سازی آموختیم تا شما را از خطرات جنگتان حفظ کند».

از تفاسیر چنین برمی آید که نخستین شخصی که زره ساخت داوود پیغمبر بود که خداوند آهن را بر دست او نرم کرده بود (مکارم شیرازی: ۱۳۷۳).

بنابراین از آیات استنباط می شود که خلاقیت انسان در حد "صنع" است یعنی از چیزهای موجود، چیز جدید را ایجاد می نماید البته با توجه به الگوها و الهام الهی، ساخته های دست بشر در مرتبه نازل تر از خلقت های خداوندی قرار می گیرد. می توان گفت تمام صنایع و ساخته های انسان ها هم خلقت خداست و از آن مبدأ هستی بخش نشأت می گیرد.

«وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ» (صافات / ۹۶)

«با اینکه خدا شما و آنچه را برمی سازید آفریده است».

"ما" در جمله "ما تَعْمَلُونَ" به اصطلاح "ماموصوله" است.

اما اگر "ما" را مصدریه بگیریم مفهومش این است که خداوند هم شما را آفریده و هم اعمال شما را، البته این معنی غلط نیست و بر خلاف پندار بعضی سر از جبر در نمی آورد؛ چرا که اعمال ما هر چند به اراده ما انجام می گیرد اما اراده و قدرت به تصمیم گیری و نیروهای دیگری را که اعمال خود را با آن انجام می دهیم همه از ناحیه خدا است (مکارم شیرازی، ج ۱۹: ۱۰۱-۱۰۰).

در خصوص علت و منشاء خلاقیت در انسان، دانشمندان زیادی اظهار نظر کرده اند. از جمله "آدام اسمیت"، اختراع را ناشی از تقسیم کار می داند. "هبرلر"^۱ اختراع را ناشی از جنگ می داند. "پارکر" سه نظریه را در مورد اختراع بیان می دارد:

الف) مدل ماورایی: که اختراع را ناشی از اعمال افراد نابغه می داند.

ب) مدل مکانیستیک: که ابداع را ناشی از نیاز می داند.

ج) مدل ترکیبی: مجتمع که خلاقیت را ناشی از سرمایه گذاری، تفکر، تجزیه و تحلیل و بحث می داند. "هنچی"، منشاء خلاقیت را آینده شناختی در نظر می گیرد. "دیوید مک" منشاء خلاقیت را عوامل انگیزه ای همچون بلندپروازی، جاه طلبی و احساس نیاز می داند (آقای فیشانی ۳۷، ۱۳۷۷: ۳۲).

۷. زمینه های بروز خلاقیت از دیدگاه قرآن

«...أَخْلَقَ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَنَفَخَ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا يَازُنُ أَلَهُ...» (آل عمران / ۴۹).

«من از گل برای شما (چیزی) به شکل پرنده می سازم، آنگاه در آن می دمم، پس به اذن خدا پرنده می شود».

چنین به نظر می رسد که حضرت مسیح در خالقیت مظهر اسمی از اسمای حق بود و مجاز بود به اذن الهی پرنده های را خلق کند. بحث این است که انسان ها چگونه به این مقام راه پیدا می کنند و از چه راهی به این مقصد می رسند. آن راه را خدای سبحان در پرورش عیسی مسیح به ما بازگو می کند و می فرماید که ما عیسی مسیح را مادری دادیم که مطهره، مصطفی و صفوه الله بود.

«ان الله اصطفى و طهره و اصطفى على نساء العالمين» (آل عمران / ۴۲)

«ای مریم خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهان برتری داده است».

«یا مریم اقمی لربک و اسجدی و ارکعی مع الراكعين» (آل عمران / ۴۳)

«ای مریم، فرمانبر پروردگار خود باش و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع کن».

خدا بگردیم و بنگریم. البته این نگرستن باید همراه با تفکر باشد. در سرودهای انجیل داریم که:
 «بنابر این شما حاکم هستید، خردمند باشید، آگاه باشید، شما از قوانین و قواعد زمین مطلع باشید. خداوند از بنده خردمند به شغف و شادی می آید اما نادان موجب خشم خداوند می گردد» (دی بونو، ۱۹۹۸).

ادوارد دی بونو^۱ می گوید: خداوند توانا از انسان می خواهد که در کارهای خود به دقت فکر کند. دی بونو نتیجه می گیرد که منظور هم تفکر عمودی و هم تفکر افقی^۲ بوده است.
 البته آیه ۶۸ سوره یس «و من نعمره نكسه فی الخلق افلا یعقلون» «و هر که را عمر دراز دهیم، او را در خلقت دچار افت می کنیم؛ آیا نمی اندیشند؟» نیز به اندیشه کردن و فکر کردن انسان اشاره می کند.

و خداوند در آیه ۳۶ سوره اسراء می فرماید: «و لا تقف ما لیس لك به علم» و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن.
 ۶. اگر در سوره اعراف، خطاب به شیطان آمده است که اینجا جای تکبر نیست، معلوم می شود گذرگاه معرفت نیز تواضع است و انسان از تواضع به آن مقام می رسد (جوادی آملی ج ۶، ۱۳۷۳: ۲۱۶).
 ۷. پاک بودن آدمی را آماده می کند تا حقایق هستی و کلام هستی بخش را درک کند.

«انه لقرآن کریم * فی کتب مکنون * لا یمسه الا المطهرون» (واقعه/ ۷۷-۷۹)

که این [پیام] قطعاً قرآنی است ارجمند، در کتابی نهفته، که جز پاک شدگان بر آن دست نزنند.
 ۸. تزکیه و تهذیب نفس و رعایت تقوای الهی از مواردی است که در قرآن از آن یاد شده است. آیه ۲۸۲ سوره بقره می فرماید:
 «و اتقوا الله و یعلمکم الله»

«و از خدا پروا کنید و خدا به شما آموزش می دهد».
 ضمناً از جملات فوق می توان استفاده کرد که تقوی و پرهیزگاری و خداپرستی، اثر عمیقی در آگاهی و روشن بینی و فزونی علم و دانش دارد و هنگامی که قلب آدمی پاک شد همچون آئینه حقایق را منعکس می سازد (مکارم شیرازی، ج ۲: ۲۸۹).

بنابراین انسان برای خلاقیت باید دارای صفات طهارت و پاکی، صیانت، پاکدامنی، تواضع، عبادت و خشوع باشد. قرآن در باب زمینه های بروز خلاقیت کارکردهای زیر را متذکر می شود:
 ۱. ایمان و اعتقاد به یگانگی و توحید حق تعالی به عنوان اولین گام در راه رسیدن به خلاقیت است. این رمز را می توان از آیات زیر استنباط کرد.

«اکفرت بالذی خلقک من تراب ثمّ من نُطفه» (کهف/ ۳۷)
 «آیا بر آن کسی که تورا از خاک، سپس از نطفه آفرید... کافر شدی؟»
 و یا سوره یس آیه ۲۲ می فرماید:
 «مالی لا اعبد الذی فطرنی»
 «چرا من آفریننده خود را نپرستم؟»

۲. انسان به عنوان خلیفه خداوند برای اینکه زمینه های بروز خلاقیت در وی هموار شود؛ باید هم اهل تسبیح و تقدیس باشد و هم اهل تحمید و تکبیر؛ یعنی هم دارای صفات تنزیهی باشد و هم دارای صفات تشبیهی. موجودی که از یک طرف باکُل الطعام و یمشی فی الاسواق (فرقان/ ۷) باشد و از طرف دیگر دنا فتنلی فکان قاب قوسین أو أدنی (نجم/ ۸ و ۹) باشد، از یک طرف در زمین باشد و از طرف دیگر از عرش بگذرد و در همه شئون هستی به اذن الله حضور داشته باشد (جوادی آملی ج ۶، ۱۳۷۲: ۲۰۹).

۳. صبر، عبودیت و خواندن نماز نیز زمینه های بروز خلاقیت را هموار می سازند. چنانچه در سوره بقره آیه ۴۴ می فرماید:
 «واستعینوا بالصبر و الصلوه»

«از شکیبایی و نماز یاری جوید».
 ۴. با توجه به سوره آل عمران آیه ۴۲ و همچنین نامه حضرت سلیمان به نکات دیگر همچون مطهر، مصطفی و صفوه الله بودن پی می بریم.

۵. از سوره نحل آیه ۴۸ که می فرماید: «ولم یزوا الی ما خلق الله من شیء ..». «آیا به چیزهایی که خدا آفریده، ننگریسته اید...».
 و سوره عنکبوت آیه ۱۹ که می فرماید: «قل سیروا فی الارض فانظروا کیف بدأ خلق ..».
 «آیا ندیده اند که خدا چگونه آفرینش را آغاز می کند...». و در سوره غاشیه آیات ۱۷ تا ۲۰ پی می بریم که باید در آفریده های

1. Edward de Bono

۲. تفکر عمودی از آشکارترین و واضح ترین راه پیروی می کند. تفکر افقی در پی اجتناب از الگوهایی است که به یک جهت مشخص منجر می شود و سعی بر آن دارد تا با جا به جایی الگوها، حرکتی فرعی و غیرمستقیم انجام دهد.

۹. قرآن کریم راه خلاقیت را بر روی انسان ها باز کرده است و آن این است که اشتغالات عالم طبیعت را کم کند مگر به جایی برسد که در حین تدبیر عالم طبیعت بتواند عالم مثال را هم مشاهده کند (جوادی آملی ج ۷، ۱۳۷۳: ۱۵۸).

۸. نتیجه گیری

هر مکتبی دارای اهداف مشخص و مقررات خاصی است، آنچه را که مکتب نورانی اسلام به عنوان هدف خلقت معرفی می کند عبارتست از: تربیت انسان کامل و مقرراتی که در تربیت انسان و رساندن او به نقطه کمال طراحی نموده، برگرفته از دو عنصر اصلی و اساسی علم و اخلاق است. البته از نگاه اسلام، علم و اهداف آن منحصر به انباشته شدن اطلاعات نیست بلکه ایجاد و خلق قوه ابتکار و خلاقیت و قدرت تفکر و تحلیل از اهدافی است که در این مکتب مقدس دنبال می شود. قرآن کریم علمی را تأکید می کند که به تفکر منتهی شود و اثر تفکر را رسیدن به حقیقت می داند و انسان هایی را که از علم به تفکر رسیده اند و از آن به هدایت راه یافته اند، صاحبان لب و عقل و اندیشه و عبد واقعی (انسان کامل) معرفی می کند و می فرماید:

«فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَيْهِمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمُ أُولُوا اللَّابِابِ» (زمر/ ۱۷-۱۸)

«پس بشارت ده به آن بندگان من که به سخن گوش فرا می دهند و بهترین آن را پیروی می کنند، اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان.» همان طوری که در صفحات قبل آمد، خداوند کریم در جای جای قرآن خود را فاطر، خالق، صانع، بدیع و... معرفی می کند و به انسان می نمایاند که گوهری ارزشمند را در نهاد او به ودیعه گذاشته که همان خلاقیت است. خلاقیت خداوند به صورت یک امر تکوینی است. امر تکوینی آن است که اگر خداوند چیزی را اراده کند و فرمان صدور آن را بدهد آن شیء صادر می شود. بنابراین «کن» (باش) لفظ و کلمه و صوت نیست بلکه ایجاد است. بینه بارز این ادعا سوره مبارکه یس است؛ «انما امره اذا اراد

شئیناً ان یقول له کن فیکون». بنابراین خاصیت خطاب تکوینی آن است که مخاطب را می آفریند و ایجاد قبل از وجود است ولی خلاقیت انسان به صورت یک فعالیت تشریحی است (جوادی آملی ج ۶، ۲۴۳-۱۳۶۶: ۲۴۲).

از دید انسان ها، آفرینش گری پدیده ای است انعطاف پذیر و متغیرتر از آن که به آسانی قابل تعریف باشد. تعاریف معتبر آفرینش گری را به چهار دسته تقسیم کرده اند. ممکن است خلاقیت، از دیدگاه شخص خلاق یعنی بر حسب فیزیولوژی و خوی وی مانند عادت ها و ارزش ها مورد ملاحظه قرار گیرد. همچنین آفرینش گری می تواند از طریق فرآیندهای ذهنی مانند انگیزش، ادراک، یادگیری، تفکر و ارتباط، تعیین شود که در کنش خلاق ظاهر می شوند.

سومین تعریف آفرینش گری متوجه تأثیرات فرهنگی و محیطی است. سرانجام ممکن است آفرینش گری را بر حسب نتایج حاصل از آن مانند نظریه ها، اختراعات، نقاشی ها، کندوکاری ها و اشعار شناخت. البته اخیراً خلاقیت را به عنوان فرآیندی عاطفی و ذهنی مورد ملاحظه قرار داده اند (نلر، ۱۳۶۹: ۷).

هر کدام از جنبه های فوق را که معتبر بگیریم به این نتیجه خواهیم رسید که خلاقیت در انسان هایک فعالیت تشریحی است که نمی تواند از عدم و نیستی شروع شود؛ به طوری که حتی در شایسته ترین آفرینندگی های بشر، اثری از منبع و یا شکلی از گذشته، وجود داشته است. این اعتقاد موجب شد تا ویلیام هارد کل پاتریک^۲، نوعی مقیاس آفرینندگی تقلیدی را در نظر بگیرد که در انتهای بالایی آن چیزی قرار می گیرد که از آن به عنوان بالاترین بخش شناخته شده آفرینندگی نسبت به الگوی قبلی موجود نام می برد و در انتهای پایینی آن، کمترین بخش آفرینندگی و بالاترین میزان شناخته شده ی سازگاری و یا تقلید قرار دارد.

سوزان لنگر^۳، این موضوع را به نوعی دیگر بیان کرده و اظهار می دارد بیشتر اکتشافات، چیزهایی ناگهانی یافتنی هستند که همیشه وجود داشته اند. وی ضمن مقایسه ی ایده ی تازه خلق

۱. خاصیت خطاب تکوینی آن است که مخاطب را می آفریند، به طوری که خطاب، اصل است و مخاطب، فرع. بر خلاف خطاب تشریحی و مولوی، که خطاب فرع بر وجود مخاطب است، یعنی اول باید انسان عاقل، بالغ و هشیار موجود باشد تا به چنین موجودی گفته شود اقم الصلوة.

2. William Heard Kil Patrik

3. Susanne Langer

منابع:

- آقای فیشانی، تیمور. (۱۳۷۷). خلاقیت و نوآوری در انسان‌ها و سازمان‌ها، تهران: تره.
- بروجردی، سیدابراهیم. (۱۳۴۱). تفسیر جامع، تهران: صدر.
- برومند، سیدمهدی. (۱۳۸۰). شیوه‌های تعلیم در قرآن و سنت، تهران: کتاب‌مبین.
- توکلی، غلامحسین. (۱۳۸۲). هدف‌داری خلقت، فصلنامه نقد و نظر، شماره سوم و چهارم: ۱۴۵.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۳). تفسیر موضوعی قرآن مجید، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- دنبون، ادوارد. (۱۳۷۶). تفکر نوین (مترجم ضیاء الدین رضاخانی)، تهران: کویر.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۰). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، تهران: کتاب‌مبین.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۱). موانع رشد علمی ایران و راه‌حل‌های آن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شریفی لاهیجی، بهاء‌الدین محمد. (۱۳۶۳). تفسیر شریف لاهیجی، تهران: مؤسسه مطبوعات علمی.
- صدآقایی، جلیل. (۱۳۸۲). خلاقیت رمز بقای سازمان‌های نوین، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۴۲: ۳۱ و ۳۰.
- طالقانی، سید محمود. (۱۳۵۸). پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۶۳). ترجمه تفسیر المیزان، مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عاملی، ابراهیم. (۱۳۶۳). تفسیر عاملی، مشهد: نشر باستان.
- طبرسی، ابوعلی‌الفضل. (۶۰-۱۳۵۰). تفسیر مجمع‌البیان، (مترجمان دکتر سید ابراهیم میرباقری، دکتر احمد بهشتی، محمد رازی، هاشم رسولی محلاتی، علی صحت، علی کاظمی، دکتر محمد مفتاح، ضیاء‌الدین نجفی) تهران: فراهانی.
- علاقه‌بند، علی. (۱۳۷۹). مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی، تهران: روان.
- فولادوند، محمدمهدی. (۱۳۷۳). قرآن مجید، قم، دارالقرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- قاسمی، فرشید. (۱۳۸۰). راهبردهایی برای پرورش خلاقیت در معلمان و دانش‌آموزان، تهران: آزمون نوین.
- کراس، شل، جی، دوریس. (۱۳۷۸). آموزش رفتار خلاق و استعداد‌های درخشان در دانش‌آموزان (مترجم مجتبی جوادیان)، مشهد: آستان قدس رضوی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۶). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳). قرآن مجید، قم، دارالقرآن الکریم، دفتر مطالعات و معارف اسلامی.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد. (۱۳۷۸). مثنوی معنوی، (رینولد نیکلسن) تهران: پیمان.
- نلر، جرج اف. (۱۳۶۹). هنر و علم خلاقیت (مترجم دکتر سید علی اصغر مسدود) شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز.
- Infinite Innovations Ltd. Creativity and Creative Thinking. 1999-2001 [on-Lin].
http://www.brainstorming.co.uk. 13 NOV2004.
- Edward De Bono's web. [Thinking]. 12 Jan 1998. [on-Lin]. http://www.EDWARDDEBONO'S.MESSAGES 29 OCT 2004.

شده بایک چراغ می‌گوید: "چراغ ظواهری را روشن می‌کند که قبل از افتادن نور چراغ بر روی آنها، شکل‌شان بر ما معلوم نیست. ما نور چراغ را به هر طرفی می‌چرخانیم تا تیرگی قبل، از آن نظر دور شود (همان منبع: ۷). بنابراین انسان‌ها می‌توانند با به‌کارگیری آیات الهی با رموز خلاقیت‌های خداوند آشنا شوند. البته این فعالیت نیز به نوبه خود نوعی کارکرد خلاق است اما در درجه‌ای نازل‌تر از خلاقیت خداوندی.

بدون شک خلقت خداوند برای استكمال خود نیست و او بی‌نیاز از خلق است ولی نوآوری انسان‌ها برای تکمیل و به‌کمال رساندن نوع بشر است بنا به حدیث معروف:

«كنت كنزاً مخفياً فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لكي اعرف»
(عاملی ج ۸، ۱۳۶۳: ۷۱)

"من گنج مخفی بودم پس دوست داشتم که شناخته شوم پس خلق کردم تا شناخته شوم".

بنابراین خلاقیت خداوند وابسته به زمان و مکان نیست یعنی خلاقیت خداوند بدون زمان و بدون مکان و نامحدود است؛ در صورتی که خلاقیت‌های بشر در زندان زمان و مکان محدود است. قرآن آشکارا ادعان می‌دارد که خلقت‌هایی که همراه کلماتی همچون "بدیع"، "فاطر"، "بارئ" است فقط مخصوص خداوند است؛ زیرا این‌گونه آفرینش‌گری‌ها از عدم و نیستی به هستی است و در عین حال بدون الگو و سابقه پیشین است ولی برخی دیگر از خلاقیت‌هایی که با کلماتی همچون "خلق" و "صنع" همراه است چون از ترکیب چیزهای موجود امکان‌پذیر می‌شود، انسان نیز می‌تواند در آنها دخالت کند؛ یعنی انجام چنین آفرینش‌گری‌هایی شامل نوع بشر نیز می‌شود و این به واسطه مقام و منزلت‌والای انسان کامل است.

از جمادی مردم و نامی شدم	و ز نما مردم به حیوان بر زدم
مردم از حیوانی و آدم شدم	پس چه ترسم کی ز مردن کم شوم
حمله دیگر بمنیم از بشر	تا برآرم از ملائک پر و سر
بار دیگر از ملک قربان شوم	آن چه اندر و هم ناید آن شوم
و ز ملک هم باید جستن ز جو	کل شیء هالک الا وجهه

(مثنوی مولانا، دفتر سوم، ص ۱۸۰)

